

تخته سفید

شنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۶ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۰۳ • ۹

شرق

یادداشت

یاددهی نوآورانه

یادگیری کارآفرینانه وهم آفرینی ارزشی

فروش اعلمی . دبیر علمی جشنواره کار آفرینی آموزش

نخستین جشنواره کارآفرینی آموزش با شعار «یاددهی نوآورانه، یادگیری کارآفرینانه وهم آفرینی ارزشی» در روزهای ۱۵ و ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۹۶، در سالن همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی با هدف شناسایی کسب‌وکارهای نوآورانه آموزشی و تشویق دانشجویان و جامعه به سوی کارآفرینی آموزشی برگزار می‌گردد. کارآفرینی آموزشی، کسب‌وکاری است که در فرایندها، محصولات، خدمات، مشتریان، منابع و ساختارهای رسمی و غیررسمی آموزش دارای نوآوری است و معمولا در بخش خصوصی و شرابطی که به تقاضاها در حوزه آموزش پاسخ داده نشده است، راه‌اندازی می‌شود. با توجه به اهمیت آموزش، در ارتقای اصلی‌ترین زیرساخت‌های یک جامعه و با عنایت به اهمیت به‌روزی‌بودن و متناسب‌بودن آموزش با اقتضانات روز جامعه، کارآفرینی آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود تا جایی که برخی حتی آن را پیش‌نیاز برخورداری از یک نظام آموزشی مؤثر و موفق می‌دانند. این جشنواره که گروه علوم تربیتی دانشگاه شهیدبهشتی و با حمایت معاونت فرهنگی – اجتماعی دانشگاه آن را برگزار می‌کند، شامل شش بخش سخنرانی و ارائه تجارب کارآفرینان آموزشی، نشست تخصصی، کارگاه‌ی، نمایشگاهی و بازدید، مسابقه کارآفرینی آموزشی و تقدیر از کارآفرینان آموزشی برگزیده است. در بخش سخنرانی و ارائه تجربه، دانشگاه، میزبان کارآفرینان آموزشی و صاحب‌نظران این حوزه خواهد بود. برخی از مهمانان این بخش، دکتر رحیم عبادی، رئیس مؤسسه آموزش عالی مهر البرز، میثم هاشم‌خانی، اقتصاددان و مدیر مؤسسه مطالعاتی «حامیان فردا»، مهندس محمد رشیدی، مدیرعامل فرانت، دکتر علی حسینی خواه، مدیر مؤسسه راه تازه مدارس دنیا و محمدحسن داوودی، مدیر مجموعه صبح روش هستند. موضوع نشست تخصصی «فرزندپروری» می‌پردازند، ولی آیا «فرزندپروری» و «کتاب بزرگ‌کردن» به قول معروف «کتاب بزرگ‌کردن» می‌تواند چاره‌ساز باشد و از بروز مشکلات احتمالی آینده پیشگیری کند؟



«بررسی راهکارهای شایع در محصولات یادگیری؛ ۱۹ روش درآمدزایی محصولات آموزشی در دنیا»، «طراحی سرویس‌های یادگیری الکترونیکی با رویکرد نیاز نسل‌های بعد» و «طراحی محصولات فناوری یادگیری با روش‌های تفکر طراحی» با حمایت مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود. مسابقه ملی کارآفرینی آموزش با حضور بیش از ۲۰ تیم برگزار می‌شود و هشت تیم برتر در روز جشنواره به ارائه مدل نهایی طرح کسب‌وکار خود می‌پردازند که از بین آنها سه تیم به‌عنوان برگزیدگان نهایی مسابقه انتخاب خواهند شد و علاوه بر دریافت هدایای نقدی، لوح و تندیس نخستین جشنواره کارآفرینی آموزشی را نیز دریافت خواهند کرد. همچنین سازمان فناوری اطلاعات به هریک از سه تیم برتر که در فضای نرم‌افزار، کسب‌وکار خود را طراحی کرده باشد، مبلغ ۱۵میلیون تومان وام اعطا خواهد نمود، شرکت‌هاب نیز از میان ایده‌های دریافتی، یک یا چند مورد را به‌عنوان برگزیده / برگزیدگان ویژه شرکت هاب برای تجاری‌سازی محصولات و خدمات انتخاب خواهد کرد.

بخش دیگر جشنواره شامل تقدیر از کارآفرینان آموزشی است که با اعلام فراخوان و تحقیق و تفحص، کارآفرینان آموزشی شناسایی و براساس شاخص‌ها مورد ارزیابی کمیته مربوطه قرار خواهند گرفت و از تعدادی از آنان تقدیر به عمل می‌آید. در بخش نمایشگاهی، سالی به وسعت حدود ۶۰۰ متر به منظور اعطای غرفه به مؤسسات نوآور در حوزه آموزش شاخص‌ها مورد ارزیابی کمیته مربوطه قرار خواهند گرفت و از تعدادی از آنان تقدیر به عمل می‌آید. در بخش نمایشگاهی، سالی به وسعت حدود ۶۰۰ متر به منظور اعطای غرفه به مؤسسات نوآور در حوزه آموزش خوبی برای کسب درآمد و از همه بهتر ارزش آفرینی اجتماعی است و کارآفرین توسعه‌یافته توسط آموزش، مجده به دامان آموزش برگردد تا دین خود را بدان ادا و موجبات توسعه آموزش را فراهم آورد.

تاک

والدگری

از نقش تا واقعیت



نیلوفر عابدینی

ازدواج فارغ از مسائل عاطفی مربوط به آن، پذیرش یک مسئولیت است و دیر یا زود با بچه‌دارشدن، این احساس مسئولیت به بالندگی و تکامل می‌رسد و در این مرحله علاوه‌بر پذیرش مسئولیت جدید، متوجه زحماتی می‌شویم که والدین ما نیز در به‌ثمررساندن ما متحمل شده‌اند. با تأملی در فرهنگ ارتباطی میان زن و شوهر و فرزندان این حقیقت آشکار می‌شود که ما بیشتر از آنکه فهم جایگاه خود را در مقام والدین یا به صورت مجزا در مقام مادر یا پدر درک کرده باشیم، از تقلید استفاده می‌کنیم و از نسخه‌های بدون پشتوانه آن بهره می‌گیریم. در این میان افراد اندکی وجود دارند که با استفاده از مطالب کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی به «فرزندپروری» می‌پردازند، ولی آیا قول معروف «کتاب بزرگ‌کردن کودکان» می‌تواند چاره‌ساز باشد و از بروز مشکلات احتمالی آینده پیشگیری کند؟

اغلب والدین در بدو بچه‌دارشدن در پی آرزوهای درودرذرازی برای کودکان خود هستند، ولی نمی‌دانند که فرزندپروری و والدگری سفری طولانی است که دارای پیچ‌وخم‌های زیاد و بیراهه‌های بی‌شمار است. در مسیر تربیت، صرف توجه به تالیلهای راهنما کافی نیست، چراکه دانستن چند نظریه در فرزندپروری، می‌تواند مشکلاتی از تنوع دیگر ایجاد کند. والدگری یک مهارت است و مهارت مستلزم یادگیری و آموزش؛ بنابراین والدگری استاندارد در هر دوره از رشد کودک، در پی آموختن و بهره‌گیری از چند مؤلفه اتفاق می‌افتد که یکی از ارکان آن درک تفاوت هر کودک با کودک دیگر است. والدین کم‌تجربه و رؤیابرداز در جست‌وجوی بهترین‌ها در جایی خارج از مرزهای توانایی فرزند خود هستند، درصورتی‌که این بهترین در خود کودک نهفته است و با پرورش بهینه و شناخت توانایی‌ها و استعدادهای منحصره‌فرد او برای شدن و شکفته‌شدن، میسر می‌شود. به منظور ایجاد فضای امن والدگری برای

پدران و مادران، نیاز نیست به افق‌های دور و دست‌نیافتنی بنگریم، ما با تربیت مربیان آگاه و کاردان و نیز والدین مؤثر و واقع‌نگر می‌توانیم فضاهای خالی بین‌نظریه‌های تربیتی و راهکارهای مؤثر برای پرورش نسل‌ها را به‌خوبی پر کنیم. برای ایجاد چنین بستری، کافی است والدین واقف باشند که والدگری صرفاً پرداختن به نیازهای بیولوژیکی نیست، گرچه کودک در سال‌های نخست برای عبور موفق از برخی مرزهای پرخطر و تقویت قوای جسمانی، نیاز به تغذیه مناسب دارد، اما متأسفانه در فرهنگ فرزندپروری برخی مرزهای پرخطر و تقویت قوای جسمانی، نیاز به تغذیه مناسب دارد، اما متأسفانه در فرهنگ فرزندپروری عموم مردم، کودک جاق به‌عنوان یک کودک سالم در نظر گرفته می‌شود

و کودک متوسط‌اندام با وضعیت بالینی سالم خیلی درخور توجه قرار نمی‌گیرد. آموزش والدین و آگاه‌سازی آنان نسبت به وظایف والدگری، علاوه بر رشد همه‌جانبه جامعه، به‌عنوان یکی از استلزامات توسعه باید مورد مذاقه قرار گیرد. امروزه جامعه ما برای حرکت در این مسیر راه‌های نرفته زیادی دارد. آموزش پیش از دبستان در کشور، باید به‌طور اصولی، به این مهم بپردازد و برای آموزش والدگری و تربیت والدین مؤثر و آگاه برنامه‌ریزی کند، یک‌بار برای همیشه باید بپذیریم که مرکز آموزش پیش‌دستانی، محل تربیت کودک است، نه مراکز صرف برای نگهداری کودکان.

پژوهشگرمؤسسه مطالعات کودکی مدرس



مدل آموزشی برای توقف چرخه آسیب در منطقه «دروازه‌غار»

باید چرخه آسیب را اصلاح کنیم

توانستیم با بچه‌ها دوست شویم و بر اساس همین شناخت هم طرح‌های اجرایی را نوشتیم. در بررسی‌هایم به این نتیجه رسیدیم که اگر در بحث آسیب‌های اجتماعی این منطقه قرار است به نتیجه برسیم باید یک کار بلندمدت آموزشی باشد و نه حرکات احساسی و مرحله‌ای؛ مثلاً غذا بدهیم یا کمپین جمع‌آوری و اینها راه بیندازیم. درواقع این حمایت‌ها نباید فقط جنبه غذایی و درمانی داشته باشند. اینها باید باشند، ولی در کنار اینها باید به بچه‌ها آموزش هم بدهیم. شعار ما این است که باید «آموزش بهتر زندگی‌کردن» بدهیم. ساختار رسمی آموزش کشور را می‌شناسیم. خوبی‌ها و ضعف‌های دارد. بزرگ‌ترین ضعفش این است که خیلی از بچه‌ها برای زندگی آماده نمی‌شوند و به‌همین‌دلیل ما نمی‌توانستیم صرفاً یک مدرسه تأسیس کنیم و به بچه‌ها آموزش رسمی بدهیم، چون باز هم به هدفمان نمی‌رسیدیم. این کار هم مثل همان غذادان است. قرار بود این افراد برای یک زندگی بهتر آماده شوند و این شد که الگوی آموزشی صبح روش را طراحی و کارمان را شروع کردیم.

ک از شروع کار چه تعداد از کودکان را توانستید جذب کنید؟

سال اول بعد از کلی فستیوال و برنامه‌های مختلف، تعداد ۱۴۰ دانش‌آموز داشتیم، اما همان سال چون بین سال‌ها هم پذیرش داشتیم، در نهایت آخر سال ۳۶۰ دانش‌آموز داشتیم. با توجه به شرایط خاص دانش‌آموزانم سعی کردیم ساخت اداری رسمی آموزش کشور را متقاعد کنیم که با تغییرات ما کنار بیایند و مدیران هم با این تغییرات ما کنار آمدند.

ک چرا به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد فعالیت خود را ادامه ندادید و مدرسه تأسیس کردید؟

سازمان‌های مردم‌نهاد در این منطقه بسیار فعال هستند. بعضاً هم کارهای بسیار مفید و ارزشمند انجام داده‌اند، اما ما سعی کردیم مجوز کارمان آموزش باشد و با آموزش زندگی دانش‌آموزانم بهبود پیدا کند. سازمان‌های مردم‌نهاد دیگری که در منطقه فعالیت می‌کنند، آموزش بخشی از خدماتشان است و فعالیتشان متمرکز بر حقوق کودک یا مطالبه‌گری اجتماعی یا مددکاری اجتماعی و موارد این چنینی است. البته همه اینها لازم است و در کنار اینکه حمایت غذایی یا بهداشتی دارند، خدمات آرسه هم دارند.

برخی از سمن‌ها در همین بخش آموزش قوی عمل کرده‌اند و برخی ضعیف، اما ما مشخصاً به دنبال آموزش همراه با مهارت هستیم. واقعیت تلخی که حتی گفتنش سخت است این است که متأسفانه کودک کار امروز، جوان بزکهار فرداست. اخیراً چند مورد کودک‌آزاری رسانه‌ای شد که کل مردم را به‌هم ریخت. برای بسیاری وجود قاتلان نیتاها، آنتها و … عجیب است، اما برای ما عادی است، زیرا کودکی آنها را می‌بینیم. می‌بینیم پدر یا مادرشان با آنها چه می‌کنند و

سال‌هاست صدای کودکی در منطقه «دروازه‌غار» تهران بیه تاراج معنادان و کارت‌ن خواب‌هایی رفته است که در کوچ‌پس کوچ‌ه‌های این منطقه بی‌توته کرده‌اند؛ معنادانی که زمانی کودکی‌شان در میان انبوه دردها و معضلات و آسیب‌های این منطقه از دست رفت و اکنون آینده کودکان معصوم منطقه «دروازه‌غار» تهران را نیز همانند ناگجاآباد مسیر سرنوشت خود، به تباهی می‌کشاند. این روزها حضور مدرسه «صبح روش» بارقه امیدی بر جان و تن خسته کودکان معصوم کار در این منطقه است. مهرماه سال ۹۴ کودکان کار و خیابان کودکان آسیب‌دیده اجتماعی در یکی از آفت‌خیزترین محله‌های منطقه ۱۲ تهران، وارد مدرسه‌ای شدند که برای آنها راه‌اندازی شده بود. «صبح روش» نخستین مدرسه کودکان کار و دارای مجوز آموزش‌وپرورش است که کار خود را در مقطع دبستان و در قالب دو مدرسه دخترانه و پسرانه آغاز کرد. درحال‌حاضر با راه‌اندازی متوسطه اول پسرانه و یک خانه کودک، بیش از ۴۰۰ دانش‌آموز دارد که اکثر آنها به دلایل مختلف چندسالی از تحصیل عقب افتاده‌اند. شاید در نخستین روزهایی که مدیر و معلم جوان صبح روش کارشان را آغاز کردند، کسی تصور نمی‌کرد در آستانه آغاز سومین سال فعالیت، روان‌شناسان اجتماعی و متخصصان حوزه آسیب، با بررسی‌های چندماهه شیوه آموزشی و تربیتی این مدرسه، آن را بسیار تأثیرگذار در روند زندگی این دانش‌آموزان و حتی خانواده‌هایشان ارزیابی کنند. «محمدحسن داوودی»، مدیر مدرسه خبریه صبح روش، براینم از اردوهای جهادی که با گروه همراهش در خارج از تهران داشته، می‌گوید: کوله‌باری از تجربه‌ای که این روزها آذوقه مسیر سختی که در پیش دارند، شده است.

ک ایده اولیه مدرسه «صبح روش» از کجا آمد؟

ما یک تیم هستیم که سال‌ها فعالیت‌های مختلفی در اردوهای جهادی در نقاط مختلف کشور داشتیم. سال ۹۳ پیشنهاد شد که به منطقه دروازه‌غار بیایم و در کنار سایر سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این منطقه برای کودکان کار طرحی بدهیم. طرح را به شهرداری تهران دادیم. آن زمان شهرداری از آموزش‌وپرورش زمینه‌گرفته بود و تصمیم داشت آن را در اختیار نهادهای مدنی بگذارد تا فعالیت کنند. برنامه تخصصی‌ای که ما ارائه دادیم از سوی شهرداری پذیرفته شد و بلافاصله کارگروه‌های تخصصی ما شروع به کار کردند. کار تحقیقاتی، علمی و میدانی‌مان را شروع کردیم. برای اولین‌بار اردوهای برگزار کردیم تا بچه‌ها را بهتر بشناسیم. ما با بچه‌های آسیب‌دیده در نقاط مختلف ایران کار کرده بودیم، اما با جنس بچه‌های این منطقه چندان مانوس نبودیم. اردویی تشکیل شد و تصور ما این بود که باید میزان خشونت بالایی داشته باشد، اما اردوی بسیار خوبی بود.

از تب کمی‌گرایی افراطی تا سودای صعود به قله‌های Q1

است، شرط‌نهادن برای تولید مقالات Q1 یا سطح‌بالا فقط می‌تواند نشانی از بدفهمی رشد و ترقی در آموزش عالی و صدا‌لبته فراموشی اولویت‌ها باشد. جدا از اینکه این روزها نزد اهل‌فطن هم صرف نمایه‌شدن یا ضربت تأثیر بالاداشتن معیار قابل‌قبولی در علمی‌بودن نیست؛ مانند انواع نشریات دارای نمایه‌با‌اصطلاح بین‌المللی در همین کشورهای اطراف نظیر ترکیه و پاکستان که صرفاً با دریافت هزینه به انتشار مقاله می‌پردازند. «همه را به یک چوب راندن، اشکال دیگری است که بر این دسته از قوانین وارد است، به‌عنوان‌نمونه درحالی‌که در رشته‌های مانند شیمی یا مهندسی شیعی تعداد چنین نشریاتی بسیار است، در رشته‌های علوم انسانی این تعداد خیلی ناچیز است و در برخی رشته‌ها به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. افزون‌براین در برخی رشته‌ها ایستادن در مرز دانش و تولید محتوای جدید الزاماً جایی برای انتشار در چنین نشریاتی ندارد، حال آنکه آن دانش، هم نیاز بومی ماست و هم مسئله ما! برای چنین مواردی باید چه کرد؟ حال سؤال اساسی قابل طرح این است که با وجود چنین تفاوت‌های آشکاری، چگونه عادلانه و معقول‌بودن این چنین تصمیم‌گیری‌هایی قابل توجیه است. فارغ از این نکته، خود امر نگارش مقاله علمی به معنای واقعی، یعنی به نگارش درآوردن اندیشه‌ای نو که برآمده از کوهی از دانش‌های تولیدشده قبلی باشد، یعنی همان «ایستادن بر قله‌های دانش»، دست‌کم سه نیاز اساسی را که پیش‌تر به آن اشاره شد لازم دارد. درحالی‌که، به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، این سه مورد از نواقص جدی آموزش عالی ماست؛ به‌طورمثال چه تعداد از استادان ما قادر به نگارش علمی به زبان لاتین هستند؟ ذکر این نکته لازم است که سخن نویسنده در پی تقدیس این زبان نیست، بلکه سخن بر سر این است که آورده‌ای را انتظار داریم که مقدماتش را فراهم نکرده‌ایم. همانند فردی بی‌تجربه که انتظار فتح قله‌ای بلند بر دوش او گذاشته شد، حال آنکه تجربه تپه‌نوردی هم ندارد. صیوری در رسیدن به قله‌های علمی، نیازمند سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت‌های ذهنی است که به‌راحتی در کوتاه مدت هم قابل تحقق نیستند و تصمیم‌گیری‌ها و اصلاحات پیوسته در کل نظام تربیتی را می‌طلبد؛ امری که سرمایه‌گذاری برای بهبود آن زمینه اندیشه‌ورزی بیشتری را برای استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رقم خواهد زد، اما در وضعیت کنونی سیاست روشنی برای بهبود این زیرساخت‌ها قابل مشاهده نیست، بنابراین تحول موسومی هم رخ نخواهد داد؛ به‌عنوان‌نمونه کمتر دانشگاه



احمد بنی‌اسدی
دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت‌مدرس

پس از فروکش کردن نسبی تب کمی‌گرایی در آموزش عالی که نمره اولیه آن گسترش قارچ‌گونه انواع مؤسسات آموزش عالی بود، اینک از زاویه‌ای دیگر رویه‌ای افراطی در حال پیگیری است که گرچه بر کوس کیفی‌گرایی می‌دمد، اما همچنان سخن از بلندپروازی‌های بی‌سامان می‌دهد. این‌بار سخن بر سر شتابزدگی و شتاب‌زدگی برای بین‌المللی‌کردن نهاد دانشگاه در ایران و تأکید بر نشر دستاوردهای علمی در نشریات طراز اول بین‌المللی است. حال آنکه نهنها زیرساخت‌های لازم چنین طرح‌های تحول‌گرایانه‌ای فراهم نیست؛ بلکه از زوایای مختلف اشکالات قابل‌توجهی بر آن وارد است. هر چند سیاست‌گذاری آرمان‌گرا بیه خودی‌خود امری مذموم نیست، اما اگر گزاره‌های آن با واقعیت موجود ارتباط مطلوبی برقرار نکنند، بروز چالش‌های فراوان دور از انتظار نخواهد بود. فراتر از سیاست‌گذاری‌های آرمان‌گرا، سیاست‌گذاری‌های موهوم و مبهم مینا هستند که برخلاف ظاهر خود در گذر زمان نتایجی متفاوت و حتی متضاد از ایده‌پردازی‌های اولیه را به نمایش خواهند گذاشت. مانند خیل دانش‌آموختگان بی‌کار امروز که برآمده از «دانشگاه‌سازی‌های قارچ‌مانند» دیروزند. بررسی سیاست‌گذاری‌ها و آیین‌نامه‌های ابلاغی یا در دست تدوین اغلب دانشگاه‌ها نشان می‌دهد نوعی شتابزدگی برای تحقق چنین طرح‌هایی در دستور کار است؛ منوط‌کردن تبدیل وضعیت استادان طرح‌سریازی یا اجازه‌دفاع‌آدن به دانشجوی دکترا به انتشار نشریات ره‌بالا از مصادیق بارز این تصمیم‌گیری‌هاست. اساسی‌ترین ایراد وارد بر این طرح، فقدان توانمندی لازم نزد مخاطبان است؛ به‌طورمثال سه ضعف عمده و مقدماتی؛ یعنی توانایی در نگارش مقاله طراز اول، فقدان تسلط بر مرز دانش مورد مطالعه و نداشتن زبان علمی روز دنیا، چالش‌های اساسی پیش‌روی این طرح است که به‌نظم می‌رسد از منظر سیاست‌گذار و متولسی مغفول مانده است. در همین زمینه با وجود ادعان بر ششک‌ه‌های نه‌چندان زیر زمینی گسترده در تولید پایان‌نامه و نگارش انواع گوناگون مقاله که خود نشان‌دهنده ضعف گسترده در سطوح گوناگون نظام آموزش عالی